

پایه :	۵	موضوع :	فقه ۳
تاریخ :	۹۲/۰۳/۰۹	ساعت :	۱۸

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: از اول الفصل العاشر فی الأهمکام تا کتاب الإیارة

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. کدام گزینه صحیح نیست؟ ج ۳۴۴/۲ - ۳۴۳
- أ. اجرة اعتبار المبيع على البایع
- ب. اجرة اعتبار الثمن على المشتري
- ج. اجرة الدلال على البایع
- د. اطلاق الكيل ينصرف الى المعتاد
۲. مضاربه چه نوع عقدی است؟ ب ۴۶۳/۲
- أ. لازم مطلقاً
- ب. جایز مطلقاً
- ج. لازم از طرف عامل
- د. لازم از طرف مالک
۳. در کدام مورد، عاریه ضمان آور نیست؟ د ۴۸۹ - ۴۹۱/۲
- أ. در صورت تعدی مستعیر
- ب. در صورت شرط ضمان اجزاء
- ج. در صورتی که ذهب و فضه باشد
- د. اگر عین مورد عاریه، با استعمال نقضی پیدا کند
۴. در مضاربه اگر بین عامل و مالک در مقدار سرمایه و نیز در مقدار سود نزاع شود، قول چه کسی مقدم است؟ أ ۴۶۸
- أ. در هر دو مورد قول عامل مقدم می‌شود
- ب. در هر دو مورد قول مالک مقدم می‌شود
- ج. قول آن کسی را باید مقدم کرد که مدعی زیادت‌تر است
- د. در مورد اول قول عامل و در مورد دوم قول مالک مقدم می‌شود

سؤالات تشریحی:

- * و اعلم أن البيع بالنسبة الى تعجيل الثمن و المثلثن و تأخيرهما و التفريق اربعة اقسام ... ۳۲۷/۲
۱. «چهار قسم «بیع» را نام برده و تعریف کنید ب. کدام قسم صحیح نیست؟
- ب. کلاً صحیح عدا الثانی.

۱. بیع نقد تعجيل الثمن و الثمن
۲. بیع نسبه تعجيل المثلثن و تأجيل الثمن
۳. بیع کالی به کالی تأخير الثمن و المثلثن
۴. بیع سلف تأجيل المثلثن و تعجيل الثمن

* يجب على المديون نية القضاء بمعنى العزم - و ان عجز - على الاداء اذا قدر و عزله عند وفاته و الايضاء به لو كان صاحبه غائباً لتمييز الحق و يجب كون الوصاية به إلى ثقة لأنه تسليط على مال الغير و إن قلنا بجواز الوصاية إلى غيره في الجملة. ۳۵۲/۲

۲. مراد از «نية القضاء» چیست؟ ب. جمله «يجب كون الوصاية به إلى ثقة» تا آخر را معنا کنید.

أ. یعنی تصمیم داشته باشد که بدهی خود را به طلبکار بپردازد و لو این که الان عاجز از پرداخت آن باشد. ب. چون بدهکار در هنگام مرگ، شخص دیگری را بر اموال طلبکار مسلط می‌گرداند لذا باید حتماً وی ثقة باشد گرچه در برخی از موارد دیگر ما جایز بدانیم که شخص غیر ثقة، وصی شود اما در این جا حتماً باید به ثقة وصیت شود.

* أما يحجر على المديون اذا قصرت امواله عن ديونه و طلب الغرماء الحجر فلا يتبرع الحاكم به عليهم نعم لو كانت الديون لمن له عليه ولاية كان له الحجر أو بعضها مع التماس الباقيين. ۳۶۳/۲

۳. در چه صورتی حاکم می‌تواند متبرعاً مديون را محجور نماید؟

در صورتی که تمام طلبکاران از اشخاصی باشند که حاکم بر آن‌ها ولایت داشته باشد یا در صورتی که بعضی از آن‌ها از اشخاصی باشند که حاکم بر آن‌ها ولایت دارد و بقیه هم درخواست محجور شدن بدهکار را نموده باشند.

* يجوز للمرتهن الاستقلال بالاستيفاء اذا لم يكن وكيلاً لو خاف جحود الوارث و لا بينة له على الحق. ۳۸۷/۲
۴. فرع فقهی را توضیح دهید.

اگر شخصی در مقابل طلب خود، از بدهکارش مالی را به رهن گرفت و بعد رهن از دنیا رفت و مرتهن هم وکیل در بیع مال مرهون نبود و از آن طرف هم بینه‌ای نداشت تا ثابت کند از میت طلبکار بوده است و می‌تسید که ورثه رهن هم منکر بدهی میت به مرتهن شوند، در این جا مرتهن حق دارد مال مرهون را بفروشد و طلب خود را بردارد.

* لو عامل السفية العالم بحاله استعاد ماله مع وجوده لبطان المعاملة فان تلف فلا ضمان لأن المعامل قد ضيع ماله بيده حيث سلمه الى من نهى الله تعالى عن اتيانه و لو كان جاهلاً بحاله فله الرجوع مطلقاً لعدم تقصيره. ۴۰۴/۲
۵. أ. چرا در صورت اول، حکم به عدم ضمان شده است؟ ب. مراد از «مطلقاً» چیست؟

أ. زیرا خداوند در قرآن، نهی فرموده از آن که اموال خود را به سفهاء بدهیم اما شخصی که اموال خود را عالماً تحت اختیار سفیهی قرار می‌دهد خودش به دست خود چنین اشتباهی را مرتکب شده و لذا سفیه ضامن مال تلف شده نیست ب. یعنی چه این که مال مزبور وجود داشته باشد یا تلف شده باشد.

* (مبحث ضمان) لو انكر المستحق القبض من الضامن فشهد عليه الغريم و هو المضمون عنه قبل مع عدم التهمة. و للتهمة صور منها: أن يكون الضامن معسراً و لم يعلم المضمون له باعساره فان له الفسخ حيث لا يثبت الاداء و يرجع على المضمون عنه فيدفع بشهادته عود الحق الى ذمته. ج ۴۱۵/۲

۶. چگونه مضمون عنه با شهادتش متهم خواهد بود؟ توضیح دهید.

چون ضامن در هنگامی که ضمانت کرده است معسر و تنگدست بوده ولی به اطلاع مضمون له نرسانده لذا مضمون له می‌تواند عقد ضمان را فسخ کرده و دو مرتبه سراغ مضمون عنه برود و طلب خود را از او بگیرد. اما مضمون عنه برای این که مانع رجوع مضمون له به خودش شود شهادت می‌دهد که ضامن قبلاً مبلغ مورد ضمان را پرداخت کرده است. این جا وی متهم می‌شود که با این شهادت می‌خواهد فائده زائده‌ای برای خودش جلب کند تا عقد ضامن فسخ نشود و حق بر ذمه اش بر نگردد.

* و تصح الكفالة حالة و مؤجلة الى اجل معلوم و يبرأ الكفيل بتسليمه تسليمياً تاماً و عند الاجل أو في الحلول. ۴۲۸/۲-۴۲۷
۷. كفالت «حالة» و «مؤجلة» را تعریف کرده و مراد از «تسليم تام» را بیان کنید.

كفالت حالة: یعنی كفيل متعدد شود که هر وقت مكفول له، احضار مكفول را بخواهد او را حاضر نماید.
مؤجلة: یعنی كفيل متعدد شود که بعد از مدتی - مثلاً یک ماه - هر وقت مكفول له، مكفول را بخواهد او را حاضر نماید.
تسليم تام: بأن لا يكون هناك مانع من تسلمه كمتغلب او حبس ظالم.

* لو كان بیدهما درهمان فادعاهما احدهما و ادعى الآخر احدهما خاصة فللثاني نصف درهم. ۴۴۲/۲
۸. مسأله فوق را در باب صلح توضیح دهید و علت حکم مزبور را بنویسید.

توضیح: اگر دو درهم در تحت تصرف دو نفر باشد و یکی از آنها مدعی مالکیت هر دو درهم و دیگری مدعی یکی از آن دو درهم باشد به شخص اول یک درهم داده و درهم دوم را بین هر دو نصف می‌کنیم.
علت: لاعتراف الثاني باختصاص غريمه باحدهما و وقوع النزاع في الآخر مع تساويهما فيه يداً فيقسم بينهما.

* و تبطل الوديعة بموت المودع فتبقى في يد المستودع امانة شرعية. ٤٧٦/٢

٩. امانت شرعیه را تعریف کنید و فرق آن را با امانت مالکی از جهت ردّ به مالک بنویسید.

امانت شرعیه یعنی امانتی که از طرف شارع، مأذون در حفظ آن هستیم نه از طرف مالک. حکم امانت شرعی آن است که ردّ آن به مالکش واجب است اگرچه خود مالک، آن را طلب نکرده باشد اما در امانت مالکی بدون طلب مالک، ردّ واجب نیست (همچنین در امانت شرعی قول کسی که آن مال در دست او بوده است و ادعا می‌کند به مالک برگردانده است بدون بینه پذیرفته نمی‌شود بخلاف امانت مالکی).